

# تحریرات خارجی

علاقہ‌ها چگونه پرورش مییابند

یادگیری طبیعی

بر آمد ، وقتی با کودک سروکار داریم ، باید بدانیم که او یک جسم شکل پذیری که هر طور بخواهیم ، او را طبق طرحی که ما آماده کرده‌ایم از قالب مخصوص در آوریم نیست. کودک از همان زمان تولد ، دارای منش و خوی خصوصی است ، و با کمال ساحت می کوشد در قالبی که ما تهیه کرده‌ایم جا بگیرد ، و سعی میکند دیگران را چنان تغییر دهد ، که با خصوصیات خود منطبق سازد . پس باید با این نکته توجه داشت که کودک یک ماده خام بدون مقاومت نیست ، بلکه بر اساس غریز طبیعی خود راهی را در پیش گرفته است . منظور این نیست که خوی انسانی تغییر ناپذیر است ، بلکه مقصود اینست که ریشه اغلب صفات و حالات انسانی ، در سرشت هر نوزاد نهفته است ، ولی بدون تردید این صفات و روحیات در معرض تغییرند ، و هر انسانی خود قادر به تحکیم اخلاق نیک و صفات پسندیده و تضعیف صفات بد و نکوهیده در خویش می باشد (۴)

بنابراین ابتکار پدران و مادران در این است که محیط را طوری آماده کنند که علائق طبیعی کودک بفضول‌های پرورش یابد و بدون

تعلیم و تربیت کار دشواری است. هر چه انسان بهتر شناخته شود ، راهنمایی او آسان تر و عملی تر خواهد بود ، « جان دیوئی » میگوید : « دانش و علم ما به خوبی و سرشت انسان نسبت به علوم فیزیکی بی ناچیز است ، در نتیجه اصول اخلاقی در باره سلامت و نیک بختی و پرورش شخصیت آدمی مراحل اولیه را طی می کند » (۱)

بر اساس همین بی اطلاعی است که روز بروز بر نوع انحرافات جوانان افزوده میشود . البته عوامل گوناگونی در این امرش و بیانی و دخالت دارند یکی از آن علل جهل و نادانی طبیعت جوانی است .

روسو میگوید : « ما کودک را نمی شناسیم ، و چون نسبت بوی عقاید باطل داریم ، هر چه جلوتر رویم از راه راست دورتر میشویم » (۲) او عقیده دارد که باید پرورش جوان بر اساس روش طبیعی آغاز گردد ، لذا میگوید : « باید امیل را آزاد گذاشت تا خود پرورش یابد » (۳)

روی این اصل او میگوید : که باید شرایط و ذوق و شوق طبیعی کودکان را راهنمایی کرد ، نه اینکه در مقام خفه کردن و نابود نمودن آنها

(۱) اخلاق و شخصیت (ص ۱۷)

(۲) کتاب امیل ص ۱۲۰

(۳) امیل بخش چهارم Rousseau

(۴) نگهداری و پرورش کودک تالیف گوداسیدیس (۸۵)

اینکه بیش از حد به کودک فشار آورند، او را تحریک و تهییج نمایند، تا آن علایق طبیعی را آزادانه ظاهر سازد.

باید توجه داشت که هیچگاه نمی توان علاقه ای را بر کودک تحمیل کرد، بلکه علاقه آن چیزی است که در محیط آزاد و بدون فشار نمود وجود نمایان میگردد (۱) متأسفانه معلم و تربیت گاهی غلط بکار میرود و بعضی برای اینکه کودکان و فرزندان افرادی باشخصیت و خوش اخلاق باشند ترسهای مختلف در آنها ایجاد میکنند اگر عمل خلاف میل آنها از کودک سر بزنند، او را تهدید یا تنبیه میکنند، وحشی او را در اطراف تاریک زندانی مینمایند. ناگفته پیداست که همین رویه ها سبب میگردد که کودکان پندیده خود را برای بکنوع بسیاری روانی آماده نمایند، تحقیقات روانشناسی رفتار غیر عادی و غیر رده ای این نوع تربیت غلط را آشکار ساخته است، که برخی از اقسام بیماری روحی معلول احساس ناپیش ها و خشونت ها، وسخت گیری های غیر طبیعی بزرگسالان و مادران بوده است.

باید توجه داشت که طبیعت کودک شورش نیست، و اگر عملی انجام میدهد، بر حسب آن چیزی است که یاد گرفته، و چون خود خیال میکند، عملش مطلوب است آن عمل را تکرار میکند.

روانشناسان تحریک یا برانگیختن را چنین تعریف میکنند: و برقراری شرایط مخصوص بمنظور ایجاد کردن یا منع نمودن یک فعالیت نسبتاً قوی برای تحقیق، یعنی اینکه اگر بخواهند فعالیت انسان یا حیوان را برای انجام دادن عمل به حد اعلی زیاد کنند تا موفق شود، و یا اینکه انسان یا حیوان را از انجام دادن عمل بخواهند منع نمایند، شرایطی بوجود می آورند که آن

حیوان یا انسان تحت آن شرایط فعالیت ششیدی برای رسیدن به هدف یا اجتناب کردن از آن از خود ظاهر سازد (۲)

و روسو، عقیده دارد، اگر کودکی عمل خلافی را انجام داد، او را تنبیه و مجازات نکنید بگذارید بطور طبیعی محرومیت و پاداش طبیعی این عمل را درک کند، تا یاد گیری بطور طبیعی انجام گیرد.

کودک بر اثر مواجه شدن با مشکلات، برآموزد که از بعضی موقعیتهای باید اجتناب کند، وقتی به بخاری یا سماور سوزان دست میزند، دستش را عقب کشیده گریه میکند، در اینحال کودک از این موقعیت آزرده شده آنرا نتیجه عمل آن موقعیت، خواهد دانست نه آنکه چیزی است که بر کودک تحمیل شده است.

بنابراین تنبیهات طبیعی تحریکات یا آزرده شدن است، در صورتی که تنبیهات از طرف دیگران نسبتاً نتایج خوب بجاوردند، بلکه زبان آزرده شدن است، یعنی کودک برای آنکه از تنبیه فرار کند بدروغ و تقلب وسایر مسائل پناهنده میگردد، و تنبیه کننده را اقبال مینماید، و در جواب آن عمل را تکرار می کند.

باید توجه داشت در عین اینکه پاداش از حیث گوناگونی بر تنبیه و مجازات برتری دارد، ولی پاداش هم اگر از جنبه طبیعی خارج گردد یعنی اینکه آموزنده باشد پاداش آور خواهد بود برای توضیح ممکن است بفرموده بگوید: فرزند این ده پال را گرفته تکالیف درسی خود را انجام بده، پرواضح است که کودک تهییج شده برای گرفتن پول وظیفه خود را انجام خواهد داد، ولی کم کم عادت خواهد کرد که برای انجام هر کاری خواستار پاداش مادی باشد، (بقیه در صفحه ۴۱)

(۱) روانشناسی کودک مهدی جلالی ص (۴۵۵) (۲) روانشناسی کودک مهدی جلالی ص (۴۱۰)

خند مکنیم را یاد آوری من کنم :

۱ - آنکه هوس مبارزه و مباحثه یلغیر مسلمان نباید کرد مگر در صورت داشتن صلاحیت .

۲ - اینکه اگر درباره دین خواستیم تحقیق کنیم بنابر روش تحلیل خود دین بپردازیم نه بعضی از پیروان دین .

۳ - اشکالات را همچون عقده ها در دل انباشتنیم و تا با اشکال غیر منتظره ای بر خورد کردیم با اشخاص ذی صلاحیت در میان گذاریم توفیق همه را از خدای مهربان خواهیم .

#### بقیه از صفحه ۳۶

و اگر عملی بدون پادش باشد ، از انجام آن خودداری خواهد کرد .

و حال آنکه اگر بدر می گفت : فرزند تکالیف خود را انجام بده که فردا در کلاس ، نمره خوب گرفته و یاداشتی آموز و طیفه شانس قلمداد گردی ، یا آنکه موقتاً تودر کار تحصیل قطعی تر گردد ، تا از پیروزی خود لذت برده بهره مند گردی ، تحریک بصورت طبیعی انجام میگرفت . این نوع پاداش ها بصورت طبیعی در نظر گرفته شده است ، و کودک بفریح خود را عادت خواهد داد که کارها را بر اساس امور منطقی انجام دهد .

مطناً باید توجه داشت که تشویق تنها

وسيله ای است که برای رسیدن به عده ای تربیتی بدان مشغول میشویم ، و اگر در اثر سامحه و غفلت ، از وضع طبیعی بودن خارج گردد ، و بطوری شدت یابد که تمام حواس و فعالیت های کودک را به خود متوجه سازد ، در این موقع جای هدف را گرفته ، علاوه بر اینکه اثرش ضایع میگردد ، در مواردی هم اثر زیان آور ، خواهد بخشید .

بنابراین تحریکات ، هر قدر جنبه طبیعی آنها بیشتر باشد ، عمل بر انگیزشگن گامشتر ، و بهتر صورت خواهد گرفت .

خلاصه عده ای برای بنیاد راجتی ایجاد کردند . بطوریکه مجال تصمیم گرفتن نداشتیم با وجود این دوستانی هم بودند که مرا تشویق می-

کردند ، و کور کورانه آنرا پیرو می میکردند . ( من از نویسندگان محترم مجله علمی و دینی مکتب اسلام که پیوسته سعی و کوشش آنها نشان-

دادند ، حق و حقیقتش کمال بپوشه علم و دانش بوده خواهش نمودم این مطالب را چاپ کنند تا بعضی مسلمانان بدانند بایک منحرف چه معامله باید کرد و طریقه هدایت کردن چیست ؟ )

با مقدمات فوق من تصمیم قطعی گرفته و آن را با کشیش کلیسا در میان نهادم ، و درس انجیل را شروع کردم . شهری بخردم احببشان داشتم که تصمیم گرفته بودم کشیش شوم .

خوشبختانه در همین موقع یکی از دوستان

کهنه اقماً از مردان نیکه هستند و من افتخار دوستی ایشانرا داشته و دارم از بنده دعوت کردند که

برای مدتی کوتاه ، بهم و تهران مسافرت کنم و

با علمای خود مطیبه قم تماس بگیرم منم این دعوت را پذیرفتم و در این سفر ، متخر باستانی

اکثر علمای بزرگ شدم و در ضمن مباحثاتی که

با دانشمندان قم و تهران انجام دادم ، با یک مطیبه

مدارک قطعی که تا آن وقت ندیده بودم ، پرده های

چهل در دیده شده و خنده های پدر روحانی کم کم

بر ملا گردید و به رتری آن اسلام بر سایر

ادیان و افرشته و خیالات واهی گذشته را از خود دور نمودم و با یافتن ظاهر خوبی از اسلام و مسلمانی و شنیدن دلائل و مدارک لازم تأثیر

الفاظ و تلقینات گذشته یکی از این رفت خدای بزرگ را باین نمسخطیم سپاسگزارم و هدایت همه گمراهان را خواستارم .

در خانه از آنجا که این مطالب را تنها برای هشپاری برادران جوان مسلمان نوشتم لذا